

## در حاشیه گفت‌وگو با حسین مکی

همانگونه که خوانندگان گرامی اطلاع دارند، در نخستین شماره فصلنامه تاریخ معاصر ایران گفت‌وگویی با مورخ معاصر، حسین مکی در مورد کودتای ۱۲۹۹، دکتر مصدق، نفت و تاریخ انجام شده بود و انتظار می‌رفت مطالب مورد بحث و اظهارات آقای مکی همچون سایر مصاحبه‌ها و مقالات دیگر مورد نقد پژوهشگران و صاحب‌نظران قرار گیرد.

فصلنامه تاریخ معاصر ایران از آنجا که وظیفه خود را تبلیغ و اشاعه «روش و بینش» واقع‌بینانه و اصولی در برخورد با مسائل تاریخی کشور می‌داند از مقالاتی که اصول نقد در آنها رعایت شده و از مبانی استدلالی لازم برخوردار باشند استقبال کرده و خوشحال خواهد شد تمامی نظرات و دیدگاه‌های ارائه شده در این نشریه به نقد کشیده شوند.

آنچه می‌خوانید مطلبی است که در نقد دیدگاهها و اظهارات جناب آقای مکی ارسال شده است و امید است درج این مطلب مقدمه‌ای برای ورود جدیتر صاحبان نظر و اندیشه در این قبیل مقولات باشد. قبل از مطالعه، توجه خوانندگان را به چند نکته جلب می‌نمایم:

۱. چون مصاحبه انجام شده با مکی بسیار مفصل بود و چاپ تمامی مطالب در یک شماره ممکن نبود از این رو تنها به چکیده و گزیده‌ای از مسائل مهم آن اکتفا کرده بودیم.
۲. نقد ارسال شده فراتر از بررسی مصاحبه بوده و نگارنده محترم آن طور که خود اشاره می‌کند مدت سه ماه، ضمن بررسی منابع مکتوب در این مورد، به نقد پرداخته است.
۳. از آنجا که این قبیل گفت‌وگوها به منظور تکمیل نقصان منابع تاریخی مکتوب انجام می‌گیرند، بنابراین برخلاف انتظار ناقد محترم قرار نیست هر قولی که در مصاحبه بیان می‌شود لزوماً در منابع مکتوب هم ذکر شده باشند چرا که در این صورت مصاحبه فاقد هر گونه فایده‌ای خواهد بود.

فصلنامه «تاریخ معاصر ایران» (س ۱ / ش ۱ / ص ۱۷۸-۲۱۶) گفت‌وگویی با آقای حسین مکی، تاریخ‌نگار سرشناس تاریخ معاصر کشورمان و یکی از اعضای نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران ترتیب داده است که در آن گفتگو، آقای مکی به برخی از وقایع تاریخ معاصر ایران نظیر کودتای ۱۲۹۹، دولت دکتر محمد مصدق، و رویدادهای

نفت اشاراتی کرده است که درجای خود بسیار مغتنم است. حجم عظیم و متنوع اطلاعات تاریخی و خاطرات سیاسی ارایه شده از طرف آقای مکی در این گفتگو به حدی فشرده بوده است که بررسی آنها برای راقم این سطور دست کم سه ماه به طول انجامید. متأسفانه بیشتر نظریات آقای مکی در این مصاحبه که از نظر تاریخی بسیار شایان اهمیت است، فاقد سند است. همچنین برخی سهوها و ابهامات در گفته‌های آقای مکی وجود دارد که صاحب این قلم را ناگزیر ساخت تا به بررسی و طرح مجدد آنها بپردازد.

### الف) استنادات بی اسناد و نه چندان قابل اعتماد

آقای مکی با توجه به حضور در عرصه تاریخ معاصر و تجربه موارد متعددی از دخالت‌های بیگانگان در عرصه سیاست کشورمان، «دست پنهان اجانب» را در تمامی رخداد‌های کشورمان دخیل می‌بیند و آن را در قالب «نظریه توطئه» تعمیم می‌دهند، که نه این تعمیم درست است و نه «نظریه توطئه» از وثاق و اعتبار علمی لازم و شایسته‌ای برخوردار است.

جمله معروف «کار، کار انگلیسی‌هاست» در گفتگوی آقای مکی به تواتر آمده است که در هر مورد نیاز به بررسی و ارائه سند دارد:

۱. ص ۱۷۹، س ۵-۱۲: مشروطه را حاصل کار انگلیسی‌ها می‌داند و از بیانات شهید مدرس شاهد می‌آورد و به خاطرات اردشیرجی ریپورتر استناد می‌دهد؛ صرف نظر از اینکه روایت یک جاسوس انگلیسی تا چه اندازه می‌تواند معتبر باشد. آیا مشروطه با آن دستاوردهای عظیم فکری و فلسفی و ثمرات برجسته‌ای که برای ایران و ایرانیان به ارمغان آورد می‌تواند محصولی تقلبی از کارخانه سیاست خارجی بریتانیای کبیر باشد؟ پس اراده آزاد مردم چه می‌شود؟ آیا با این تحلیل ساده می‌توان اعتقاد به شعور و بلوغ سیاسی مردم را زیر سوال برد؟

اگر فرمایشات آقای مکی متکی به این گفته‌ی شهید مدرس است که فرمود: ساختار فکری و فلسفی مشروطه در ایران از نظام‌های دموکراتیک و پارلمانی در غرب اخذ شده است و چون منافاتی با شریعت اسلام ندارد مورد پذیرش قرار می‌گیرد. (ص ۱۷۹)، نمی‌توان مدعی شد که مشروطه حاصل کار انگلیسی‌ها است.

۲. ص ۱۷۹، س ۱۸-۲۰: قولی با سندیت مبهم از مشیرالدوله ذکر شده که وی برای تجدید رابطه با روسها از سفیر انگلستان اجازه گرفته بود. این قول در اسناد دوره قاجار ذکر نشده است.

۳. ص ۱۸۰، س ۲-۴: راجع به گزارش آقای اسمیت مامور انگلیسی که به سود ایران

ختم شده است. چرا نباید بپذیریم که با وجود دسیسه‌های بیگانگان و ضعف نظام حکومت داخلی و حتی در صف اجانب نیز انسان‌های منصفی حضور داشتند که حداقل در یک عملکرد، تابع مطامع استعماری نبوده باشند. متأسفانه موضوع یاد شده در متن به صورت یک نقل افواهی رها شده است.

۴. ص ۱۸۲، س ۱۰-۱۲: روایتی نقل شده که به استناد آن بر مخالفت انگلستان (آن هم یک مدیر کل اداری!) با تداوم سلطنت قاجار و شفاعت دو تن از سران قاجار تأکید شده است. این داستان در اسناد دوره‌ی قاجار ذکر نشده، و آقای مکی آن را از قول یک راوی شنیده است. بنابراین ارزش تاریخی ندارد.

۵. ص ۱۸۲، س ۱۵-۱۷: به داستان غارت شفیعیان سلطنت قاجار اشاره شده که بین رشت و قزوین اتفاق افتاده و توسط کنسولگری انگلستان اموال غارت شده به آنها مسترد شده است.

۶. ص ۱۸۳، س ۲۵-۳۱: قتل کلنل محمد تقی خان پسیان به انگلستان نسبت داده شده است.

۷. ص ۱۸۶، س ۲۴: توصیه شده است که «هیچ وقت به اسناد سیاسی وزارت خانه‌های خارجی اعتماد نکنید» به دلیل مبهم بودن، ناقص بودن، وجهت‌دار بودن تنظیم و توزیع اسناد یاد شده از سوی سیاستمداران خارجی. با این حال در جای جای مقاله و متن به ارجاع‌هایی برمی‌خوریم که به نقل از همین اسناد است: ۱- نامه‌ی فورمن به وزیر خارجه انگلستان، رونوشت به نایب سلطنت هند (ص ۱۸۶، س ۱۶)، ۲- نامه‌ی نورمن به نایب‌السلطنه هند، رونوشت به لرد کرزن (همان، س ۱۸)، ۳- یادداشت‌های کنسول انگلستان در مشهد (ص ۸۳، س ۱۸)، ۴- ملاقات نصرت‌السلطنه و عضدالسلطنه با وزیر خارجه انگلستان (ص ۱۸۲، س ۷)، ۵- استناد به مکاتبات متبادله بین سفارت انگلستان و وزارت خارجه ایران، و نقش مکی در بسته شدن کنسولگری‌های انگلستان در شهرهای جنوب (ص ۱۹۰، س ۲۴)<sup>۱</sup>

۸. ص ۱۸۷، س ۶: سخن از یادداشت‌های آقای «احمد شهرپور» به میان می‌آید. آقای مکی از آن یادداشت‌ها استفاده‌ی فراوان برده است،<sup>۲</sup> لکن تلویحاً در فرمایشات خود تأیید می‌کند که دسترسی مستقیم به آن یادداشت‌ها نداشته است، اما نقل قول‌های مفصل ایشان از یادداشت‌های شهرپور، هم در کتاب تاریخ بیست ساله ایران و هم در

۱. بنابراین با توجه به دکترین آقای مکی مبنی بر اینکه «هیچ وقت به اسناد سیاسی وزارتخانه‌های خارجی اعتماد نکنید»، در این صورت نقش وی را در بستن کنسولگری‌های انگلیس در جنوب کشور باید با تردید تلقی نمود.

۲. مکی به خصوص از یادداشت‌های احمد شهرپور درباره‌ی سید ضیاء استفاده کرده است.

مصاحبه کنونی موجود است.<sup>۳</sup> مضافاً اینکه در گزارشهای افواهی، موارد مشکوک، اشتباه و تحریف شده فراوان است و معلوم نیست ابزار بازشناسی سره از ناسره در یادداشتهای شهریور و نقل قولهای آقای مکی چه بوده است.

۹. ص ۱۸۹، س ۵: آمده است که نهر و با مصدق تماس تلگرافی گرفته است. این نکته تنها در تاریخ نهضت ملی شدن نفت (کتاب سیاه، جلد ششم) نقل شده و دیگران هم به نقل از این کتاب آن را آورده‌اند. سفیر کبیر هند و میرزا اسماعیل خلیلی که در مصاحبه‌ی کنونی شاهدان تلگراف بوده‌اند، اکنون در قید حیات نیستند، به دکتر تاراچند هم دسترسی نیست. در اسناد رسمی مکاتبات اداری وزارت امور خارجه ایران و هند نیز اشاره‌ای به تلگراف‌های نهر و با مصدق نشده است و گرنه حتماً در سال‌های اخیر چاپ و توسط مستفدان عملکرد کابینه ایشان مورد استناد قرار می‌گرفت.<sup>۴</sup>

۱۰. ص ۱۹۸، س ۲۲ - ۲۵: به احتمال وجود رابطه بین دکتر فاطمی و انگلیسی‌ها در اصفهان اشاره می‌کند و آنگاه می‌افزاید: مرگ و شهادت دکتر فاطمی به حیله‌ی انگلستان بود!<sup>۵</sup>

۱۱. ص ۱۹۹، س ۱۸: شاه، حین دست دادن به انگلیسی‌ها دچار هراسی مشابه دست زدن به دم مار می‌شد و در سطر ۲۳ می‌افزاید: رضا شاه توسط انگلیسی‌ها از ایران بیرون می‌شود.

موارد یاد شده تنها نمونه‌هایی است از آنچه که آقای مکی در تأیید نظریه خود مبنی بر «دست پنهان اجانب» و تعمیم «تئوری توطئه» بدانها استناد جسته‌اند.

### ب) دفاع از کیان سلطنت گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نام آقای مکی آن چنان با جنبش ملی شدن صنعت نفت پیوند خورده که نمی‌توان

۳. حسین مکی، «تاریخ بیست ساله ایران»، (تهران: نشر ناشر، ۱۳۶۱)، چاپ سوم، جلد اول، فصل دوم: مقدمه.

۴. جلال عبده در کتاب «چهل سال در صحنه» به یاد ندارد گفتگویی بین وی و دکتر تاراچند راجع به تلگرافهای نهر و صورت گرفته باشد، گرچه در بسیاری از وقایع نفت با هم صحبت‌هایی داشتند. ن.ک: جلال عبده، چهل سال در صحنه، تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۸. صص ۳۶۲-۳۶۳. برای اطلاعات بیشتر درباره تلگرافهای نهر و با مصدق نک:

حسین مکی، سالهای نهضت ملی، جلد ششم کتاب سیاه: (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۰) چاپ اول، ص ۳۹.

۵. درباره سرنوشت دکتر فاطمی و ارتباط یا عدم ارتباط وی با انگلستان نک: جاما، گذشته چراغ راه آینده است. تهران: ۱۳۵۸. چاپ اول، فصل چهارم: «کودتای ۲۸ مرداد».

تلاش ایشان و دیگر هم‌زمانشان را نادیده گرفت. لیکن به استناد سخنان خودشان، تلاشهای یاد شده در چهارچوب حفظ نظام رسمی و پذیرفته شده جامعه آن روز یعنی مشروطه‌ی سلطنتی نزد خاندان پهلوی بوده است. آقای مکی در این باره به اختلاف سلیقه‌ی خود با دکتر مصدق (متن مصاحبه، ص ۱۹) و فهرست گفتگوهای خود با شاه اشاراتی دارد:

۱. وساطت از آقای رحیمیان (یکی از اعضای جبهه ملی و دعوت شده به جلسه‌ی جمهوری) نزد شاه (ص ۱۹۴، س ۲۹)
۲. دفاع از شاه نزد دکتر مصدق در قضیه تولیت آستان قدس رضوی (ص ۱۹۵، س ۲۵-۲۹)
۳. دعوت شاه از مشارالیه در بابل (ص ۱۹۶، س ۶)
۴. دعوت شاه از مشارالیه به پذیرش وزارت دربار، در دو زمان متفاوت (ص ۱۹۶، س ۸ و ص ۱۹۹، س ۴)
۵. ملاقات با شاه و استماع شکایت وی از قطع حقوق درباریان توسط دکتر مصدق ص ۱۹۶، س ۱۷)
۶. تهدید دکتر مصدق به اجرای کودتا از سوی شاه (ص ۱۹۶، س ۲۴-۲۶)
۷. مشورت شاه با مشارالیه درباره‌ی مسئله اعدام دکتر فاطمی (ص ۱۹۸، س ۱۳): البته علی‌رغم مخالفت مکی و تایید شاه، دکتر فاطمی اعدام می‌شود (ص ۱۹۸، س ۱۳)
۸. مشورت شاه با مکی، درباره‌ی محاکمه‌ی دکتر مصدق؛ با این حال ضمن پذیرش نظر آقای مکی (پرهیز از شهید پردازی در میان عوام) دکتر فاطمی اعدام و دکتر مصدق محاکمه و تبعید می‌شود.<sup>۷</sup>
۹. اظهار نظر شاه که مکی را معتمد دربار می‌دانست (ص ۱۹۹، س ۴-۶)
۱۰. پیشنهاد برای التیام روابط بین شاه و مصدق بعد از حادثه نهم اسفند (ص ۱۹۹، س ۸-۱۲)
۱۱. صحبت خصوصی مکی و شاه درباره‌ی اصرار انگلستان بر پالایشگاه نفت آبادان؛ شاه از دادن پاسخی روشن به آقای مکی خودداری می‌کند (ص ۲۰۳، س ۱۸-۲۷)
۱۲. اختلاف سلیقه مکی با دکتر مصدق در باره‌ی عزل سرهنگ زاهدی (ص ۲۰۴، س ۲-۴)

۶. مکی به گفته خود بعد از ۲۸ مرداد جزء غیرمستعفی‌ها بود (مصاحبه، ص ۱۸۱).

۷. برای اطلاع از شرح ماجرا، نک: مکی، «خاطرات سیاسی» (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸) صص ۴۱۱-۴۲۱.

۱۳. تقاضای شاه برای حضور مکی در جمع وکلای دربار در روز نهم اسفند (ص ۲۰۵، س ۱۴-۱۶)
۱۴. مصلحت اندیشی برای جلوگیری از انقراض سلطنت (ص ۲۰۷، س ۱۷) و حفظ آبروی دربار (ص ۲۰۸، س ۱-۱۰)
۱۵. توصیه به شاه برای چگونگی برخورد با دکتر مصدق «... به من گفت آخر مصدق چکار کرده که مردم این قدر به او توجه دارند؟ گفتم یک مقدارش موروثی است، یک مقدارش هم از روی آزادیخواهی است؛ شما یک دکان بالاتری باز کنید. گفت چکار کنم؟ گفتم شاگردان اول دانشگاه‌ها را به ناهار دعوت کنید، بیایند پیش شما، ... دم از آزادی بزنید»<sup>۸</sup> (ص ۱۹۶، س ۳)؛ در ص ۱۹۲، س ۹ برخائن نبودن مصدق تأکید می‌شود و در ص ۱۹۹، س ۱۶-۱۸ در تأیید مصاحبه‌گر محترم می‌پذیرد که «شاه برنامه خود را با انگلیسیها تنظیم می‌کرده». بنابراین آقای مکی با اینکه در تقابل بین مصدق و شاه، می‌پذیرند که مصدق خائن نبوده، ولی معلوم نیست که چرا چنین راهنمایی غریبی به شاه کرده است و مهمتر این که بعدها خود شاه توصیه‌های مکی را به شوخی می‌گیرد.<sup>۹</sup>

### تناقضها و اختلاف روایتها

در متن مصاحبه به اختلاف گفته‌های آقای مکی با نوشته‌های قدیم ایشان، یا با نوشته‌های همکاران دیگرشان در باره کودتا و نفت و دولت مصدق برمی‌خوریم که این اختلاف‌ها گاه به مشاجره‌ی قلمی بین ایشان و سایر پژوهشگران منجر شده است، در نوشته‌ی حاضر به این اختلاف روایت‌ها جز به ضرورت اشاره نشده است:

۱. دکتر بقایی: دکتر بقایی سه بار تاج و تخت شاه را نجات داده است، یک بار در سی تیر، یک بار در نهم اسفند (که به نجات جان شاه انجامید)، یک بار هم در جلسه‌ی فراقسیون نهضت ملی برای حذف اختیارات شاه. بقایی از سلطنت بسیار حمایت

۸. این تازه بیان خلاصه‌گفت‌وگو است؛ مکی در خاطرات سیاسی، شرحی آورده که خیلی گویاست، او موروثی بودن دکان مصدق را به عضویتش در خاندان هزار فامیل قاجار مربوط می‌داند، بر آزادیخواهی مصدق و اخلاق فردیش نیز اصرار می‌ورزد و از شاه می‌خواهد همچون مصدق عمل کند(!) اما افسوس که افعی هرگز کیوتر نمی‌زاید و از شاهان جز شاهی و ستمگری بر نمی‌آید.

شاه بعد از پیروزی در کودتای ۲۸ مرداد، به فاصله‌ای نه‌چندان طولانی، مکی را در قزل‌قلعه زندانی می‌کند. بعدها که مکی آزاد می‌شود شاه در دیداری با جمال امامی اندرزها و سفارشهای مکی را به مسخره می‌گیرد و می‌گوید پهلوان زنده (حاکم منصوب) را عشق است! نک: مکی خاطرات سیاسی، ص ۴۹۸. ۹. همان، ص ۴۹۸.

می‌کرد و چند نطق عجیب و غریب نیز در آن مورد داشت (ص ۲۰۹، س ۱۹-۲۹). و در جای دیگر، شاه از بقایی تعبیر به «سگ نازی‌آباد» کرده است<sup>۱۰</sup> (ص ۱۹۱، س ۲۵ الف) علت استعفای آقای مکی از ریاست سازمان نگهبانان آزادی، ملاقات دکتر بقایی با آمریکاییها در تبعید زاهدان ذکر می‌شود (ص ۱۹۲، س ۵-۷) و چند سطر پایین‌تر علت استعفای نطق بقایی در دفاع از کابینه‌ی امینی می‌داند. (ص ۱۹۲، س ۷-۹). در جایی از کتاب خاطرات سیاسی<sup>۱۱</sup> آقای مکی خود را ریاست شورای عالی سازمان فوق معرفی می‌کند ولی صفحاتی قبل از آن خود را معاون سازمان ذکر می‌نماید.<sup>۱۲</sup> در جای دیگر علت استعفای مکی مسافرت بی‌خبر دکتر بقایی به کرمان (ونه تبعید در زاهدان) ذکر شده است که در آنجا طی نطقی، دکتر بقایی از کابینه‌ی امینی حمایت می‌کند<sup>۱۳</sup> در چند جای دیگر دلایل زیر ذکر شده است:

ب) تأیید دوستی دکتر بقایی با دکتر سپهبدی عامل امریکاییها (ص ۱۹۲، س ۱۳-۱۷)

ج) تأیید ارتباط تنگاتنگ خانواده‌ی ارفع با آقای بقایی (ص ۱۹۳، س ۲۰-۲۷) و کمک به بقایی در تنظیم نطقهای مجلس علیه رزم آرا (ص ۱۹۳، س ۲۴)؛ جلسه‌ی مشترک دکتر بقایی و آمریکاییها برای تشکیل حزب زحمتکشان (ص ۱۹۳، س ۲۸-۳۱)؛ خودداری آقای مکی از شرکت در کابینه‌ای که نخست‌وزیرش بقایی باشد، به دلیل خودمحور بودن بقایی (ص ۲۱۵، س ۹-۱۲)

با این حال آقای مکی با بقایی همکاری می‌کند و در مقابل دکتر مصدق قرار می‌گیرد: — در زمان محاکمه‌ی بقایی زیر نطق‌های وی و دفاع بقایی از شاه خط می‌کشد و با واسطه به شاه می‌رساند. (ص ۱۹۱، س ۲۷)

— شاه نظرات مکی را می‌پذیرد و بقایی به جای دو سال یک سال حبس می‌کشد (ص ۱۹۱، س ۲۹)؛ دادگاه تجدید نظر آقای بقایی طبق نظر آقای مکی تشکیل می‌شود (ص ۱۹۱، س ۳۱)

در جای دیگر نخستین ریشه‌ی اختلاف با دکتر بقایی را تأسیس شعبه‌های حزب زحمتکشان در آبادان و دومین اختلاف را بر سر کاندیداهای مجلس می‌داند.<sup>۱۴</sup> جزایری کاندیدای آقای مکی بود و بقایی، یاسری را پیشنهاد داده بود.<sup>۱۵</sup> البته بعدها تصریح کرده

۱۰. تعبیر «سگ نازی‌آباد» در خاطرات سیاسی مکی نیز آمده است. رک: همان، ص ۶۰۵

۱۱. همان، ص ۶۰۷ ۱۲. همان، ص ۵۹۹ ۱۳. همان، ص ۶۰۴

۱۴. همان، ص ۵۹۴

۱۵. هر دو کاندیدا بعدها کتاب محمدرضا پهلوی را میل کردند و تنها دودش برای مکی و بقایی بماند! نک: همان ص ۵۹۵

است که بقایی به او و دکتر فاطمی اتهام براندازی حزب زحمتکشان را وارد کرده است.<sup>۱۶</sup> آقای مکی حتی توطئه توده‌ایها را برای نابود کردن دکتر بقایی در آبادان خنثی می‌کند،<sup>۱۷</sup> ولی دکتر بقایی در وصیت‌نامه سیاسی خود این توطئه را به دکتر مصدق نسبت می‌دهد<sup>۱۸</sup> بقایی از زمان تویببخش در مجلس قصد مبارزه با مصدق را داشت.<sup>۱۹</sup>

۲. مهندس حسینی: مهندس حسینی در متن مصاحبه، تنظیم‌کننده پاسخ سوالات ۱۲ گانه از آقای گلشایبان بوده (ص ۲۱۲، س ۲)؛ و از فعالان این جریان بوده (ص ۲۱۲، س ۳). اما در منبع دیگر وی فردی معرفی شده که تمام زحمات گذشته را از بین برده است و دلیل آن اختلاف سلیقه‌ای بوده که وی با مکی در تعیین آقای فلاح داشته و تبعیتی که حسینی از دکتر مصدق می‌کرده است.<sup>۲۰</sup>

۳. شمس‌الدین امیر علایی<sup>۲۱</sup>: شمس‌الدین امیرعلایی از حقوقدانان جبهه ملی بود که چند دوره به وزارت دادگستری کشور رسید. سوابق امیرعلایی، حمایت و اطاعت و مشورت با دکتر محمد مصدق و تلاش برای خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس است.<sup>۲۲</sup> وی درباره انتقال جسد رضاشاه با وزیر جنگ وقت اختلاف پیدا می‌کند و استعفا می‌دهد.<sup>۲۳</sup> بعد از کودتای ۲۸ مرداد از سفارت ایران در بلژیک استعفا داده، به ایران باز می‌گردد. زندانی و تبعید به برازجان و یزد را می‌پذیرد.<sup>۲۴</sup> وی در زمان تصدی دادستانی دیوان کیفر، با وزیر دادگستری زمان خود برخورد قانونی داشت و به همین دلیل از کار برکنار شد.<sup>۲۵</sup>

آقای مکی در مصاحبه خود امیر علایی را پیشنهاد دهنده‌ی اعزام گارد نظامی به دانشگاه تهران و خود را مسبب عزل نامبرده از وزارت کشور به دلیل ترس از عدم امنیت

۱۶. همان، ص ۵۹۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: علی محمد آقا، محمد صدیقی. *افول یک مبارز: نقدی بر «وصیت‌نامه سیاسی»*، مواضع و خط‌مشی دکتر مظفر بقایی، تهران، ناشر: مؤلفین، ۱۳۶۵. صص ۹۴-۱۰۸.

۱۷. مکی. *خاطرات سیاسی*، ص ۵۹۲.

۱۸. علی محمد آقا و... *«افول یک مبارز...»*، ص ۱۰۶. و مکی *«خاطرات...»*، ص ۵۹۳.

۱۹. مکی. *کتاب سیاه*. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۰. جلد ۶، صص ۱۰۰-۱۰۸.

۲۰. همان، ص ۲۵۳. در آنجا مکی از حسینی با عبارت «گاو نه من شیر ده» یاد می‌کند.

۲۱. برای آشنایی بیشتر با دکتر امیر علایی ر.ک: شمس‌الدین امیر علایی: *خاطرات من در یادداشت‌های پراکنده و پاسخ به فرمایشات کزربار جناب حسین مکی*. تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۶۳.

۲۲. به موجب ابلاغیه شماره ۸۵۵/۴ مورخ ۱۳۳۰/۳/۸، امیر علایی با حفظ سمت (وزارت اقتصاد ملی در

کابینه مصدق)، به عنوان مأمور فوق‌العاده دولت و استاندار تام‌الاختیار خوزستان و مدیر مسایل

خلع ید منصوب شده‌اند. آقای مکی به اشتباه ایشان را در آن زمان وزیر دادگستری و عامل دستگیری

نواب صفوی معرفی می‌کند. نک: امیر علایی *خاطرات...*، صص ۲۹۹-۳۰۰.

۲۳. امیر علایی، *«خاطرات من...»*، ص ۲۵۳.

۲۴. همان، ص ۲۵۳.

۲۵. همان، صص ۲۸-۳۰.



جانی او ذکر می‌کند. (مصاحبه، ص ۲۱۰) در روزنامه مظفر ۷ آبان ۱۳۲۴، در دفاع از امیرعلایی و اعتراض به برکناری ایشان متنی از آقای مکی به چاپ رسید. در روزنامه‌ی کیهان ۶ اردیبهشت ۱۳۲۴ تحت عنوان «تقصیر از مجلس است، رحمت به روح استبداد» مقاله‌ای از آقای مکی در دفاع از امیر علایی به چاپ رسیده است.

آقای امیر علایی در کتاب خاطرات پراکنده سندی را به نقل از روزنامه زلزله (شماره ۶۲، تاریخ ۳۱/۱/۵) از اسناد خانه سدان به شرح زیر نقل می‌کند: «نامه سری ۴۹۲ از اسناد خانه سدان، ۱۲ ژوین ۱۹۵۰ عطف به نامه سری ۲۳۵ فرس گرافت عزیزم، پیغامی که حسین مکی برای شما فرستاده و در نامه‌ی خود ذکر کرده بودید به نظر ما بوالهوسانه آمد... با وجود تعهد حسین مکی که جریان مذاکرات کنونی را در کمیسیون نفت مجلس تغییر دهد پیشنهاد او قابل ملاحظه است. تقاضای مکی هم برای مساعدت مالی به روزنامه‌ای که می‌خواهد شروع کند نیز قابل قبول ما نیست ارادتمند - ای. نیت. ۲۶»  
آقای مکی نیز در خاطرات سیاسی خود موضعی تند علیه امیرعلایی اتخاذ می‌کند. و با چاپ عین مقاله‌ی روزنامه آرام شماره ۲۱ تلویحاً ایشان و خانواده ایشان را متهم به داشتن سوابق ضد مذهبی اختلاتی و ناموسی می‌نماید و نیز با نقل قول از روزنامه آرام شماره مسلسل ۱۲۲ سال سوم ۱۳۳۱ وی را به جاسوسی برای جی‌پی‌یو متهم می‌نماید.<sup>۲۷</sup>

آقای امیر علایی در خاطرات پراکنده به نقل از روزنامه آرام شماره سابق‌الذکر، دخالت‌های فیزیکی و ارعاب‌آمیز قوام‌السلطنه را در نمایندگی آقای مکی از حوزه اراک موثر می‌داند و برای اثبات نظر خود از روزنامه اصناف شماره ۸۴ مورخ ۳۲/۳/۲۷ تایید می‌آورد.<sup>۲۸</sup> از روزنامه به سوی آینده، ۲۹ آذر ۱۳۳۹، عین تصویر آقای مکی در معیت شعبان جعفری و فردی به نام رضا - از کودتاجیان ۲۸ مرداد - را گراور می‌کند.<sup>۲۹</sup> نیز کلیشه دیگری از روزنامه به سوی آینده شماره ۴۴۴ در صفحه ۲۵۸ از کتاب خاطرات پراکنده چاپ می‌کند که در آن آقای مکی در معیت دو تن از کودتاجیان ۲۸ مرداد (سیامک سلاخ و پهلوان تخته فولاد) دیده می‌شود.<sup>۳۰</sup>

آقای مکی هر چند که از کتاب اسناد خانه سدان مرحوم اسماعیل رایین شواهدی می‌آورد (صفحات ۳۲۹ - ۳۲۸ - ۳۲۷ - ۳۱۸ - ۳۱۶ - ۳۱۵) ولی در واقع پاسخی به

۲۶. مکی دو گراور از متن انگلیسی یاد شده را به نقل از روزنامه آرام (شماره ۲۱) در خاطرات سیاسی خود آورده است. البته شدیداً صحت اسناد را تکذیب و آنها را از سوی انگلیس و ساختگی می‌داند. ر.ک:

مکی خاطرات سیاسی، صص ۵۱۹-۵۰۱.  
۲۷. همان.  
۲۸. امیر علایی. پیشین، صص ۲۳۷-۲۳۶.  
۲۹. همان، ص ۲۴۷.  
۳۰. همان، ص ۲۵۸.

مصالب بالا نمی‌دهد و در عوض در چند سطر از مشارالیه با لفظ مجنون یاد می‌کند. امیرعلایی نیز در دفاع از خود در خاطرات پراکنده علت عزلها و انتصاب‌های متعدد از سوی دکتر مصدق را اعتماد دکتر مصدق به خود و حفظ او از اعمال فشار متنفذین محلی و عوامل دربار و مخالفان کابینه می‌داند، (خاطرات پراکنده، ص ۲۸۲).

۴. تقی‌زاده<sup>۳۱</sup>: سید حسن تقی‌زاده، از اعضای فرقه‌ی اجتماع‌یون عامیون تبریز و از یاران کسروی بود. در تهران بعد از استقرار مشروطه انگلوفیل و بانی استبداد رضاخانی شد، و در دوران پهلوی دلالتی قرار داد سه ستاره ۱۹۳۳ را پذیرفت. آقای مکی در این مصاحبه، راجع تقی‌زاده می‌گوید: تقی‌زاده یک کاغذی به من نوشته که من عین آن را در نطق مکی آوردم: گلشایبان نامه‌ای را از تقی‌زاده مطرح کرد و گفت او یک کلمه را خط زده گفتم انگلیسیها چه حسن نیتی به ایران داشتند که تقی‌زاده خط زده؟ تو خواستی چغلی تقی‌زاده را به انگلیسیها بکنی. چقدر برای مملکت ننگ‌آور است که از یک رجل مملکت به یک دستگاه خارجی چغلی کنند. این مطلب در نطق من هست. بعد تقی‌زاده در این مورد نامه‌ای به خط خود به من نوشت و قرارداد سه ستاره را پیش کشید و من قرارداد سه ستاره را حلاجی کردم.» (ص ۲۰۱).

حال به نطق تقی‌زاده در مجلس شورای ملی جلسه ۷/۳۸ بهمن / ۱۳۲۷ توجه کنیم: «باید عرض کنم که بنده در این کار امضای قرارداد ۱۹۳۳ اصلاً و ابداً هیچ‌گونه دخالتی نداشته‌ام جز آنکه امضای من پای آن ورقه است (خنده شدید نمایندگان و مخبران جراید) و آن امضا چه مال من بود و چه من امتناع می‌کردم و مال کسی دیگر بود (لابد حتماً یکی فوراً امضا می‌کرد) هیچ نوع تغییری را در آنچه واقع شد و به هر حال می‌شد موجب نمی‌شد... و من عرض نخواهم کرد که امضا جعلی است و کس دیگر امضا را عوض من گذاشته، بلکه هر تقصیری در آن عمل بسیط غیر اختیاری باشد، خداوند خواسته بود که آن تقصیر فرضی به جای آن سه نفر دیگر همراهان ما یا وزرای دیگر دامنگیر من بشود.»

۵. دکتر حسین فاطمی: دکتر فاطمی یکی از فداکارترین یاران نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. آن چنانکه دکتر مصدق وی را نخستین پرچمدار این حرکت اسلامی-ملی معرفی نمود.<sup>۳۲</sup> وی از عناصر طرفدار وحدت در جبهه ملی بود، خصایص

۳۱. در بررسی موضوع مربوط به تقی‌زاده از کتاب «نفت و نطق مکی» و بیانیه حزب ایران درباره مکی سود جست‌ام.

۳۲. دکتر مصدق با دستخط خود می‌نویسد: «اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نموده سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن، دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان

اخلاقی‌اش از او فردی ضد دربار، ضد انگلستان و ضد امپریالیسم ساخته بود. او طالب نام و نان نبود و به گواهی نزدیکانش از هوش و ذکاوت سیاسی زیادی بهره‌مند بود. فاطمی علی‌رغم اختلاف سلیقه‌ای که با مکی (به خاطر مثلث بقایی - مکی - حائری‌زاده و اختلافشان با دکتر مصدق) داشت در چندین جلسه از او دفاع می‌کند و حتی وقتی آقای مکی در معرض اتهام به خیانت قرار می‌گیرد، آبروی خود را در گرو دفاع از مکی می‌گذارد.<sup>۳۳</sup> اما نظریات مکی درباره فاطمی: (ص ۲۰۸، س ۲۲-۲۷) فاطمی مانعی در برابر اصلاح بین مصدق و شاه بود و مصلحت‌اندیشی او برای حفظ جان مصدق در واقعه نهم اسفند بی‌مورد بوده است. ص ۲۰۷، س ۲-۵: در مکالمه تلفنی با شاه درباره خطری که رژیم سلطنتی را تهدید می‌کند، از مرحوم دکتر صدیقی و دکتر فاطمی به عنوان افرادی یاد می‌کند که «اگر اتفاقی بیافتد خواهند گفت مکی سرود یاد مستان داده»، و به این ترتیب زمینه برای الغای سلطنت و پیدایش جمهوری فراهم می‌شود. ص ۲۰۵ و ۲۰۶، در قضیه نهم اسفند، رفتار دکتر مصدق و دکتر فاطمی را تشریح می‌کند که آنها نسبت به دربار، بی‌اعتماد و نسبت به مکی بدگمان هستند. ص ۱۹۷، س ۱۶: معتقد است بیشتر بدبختیهای دکتر مصدق ناشی از دکتر شایگان و دکتر فاطمی بوده است و در سطر ۲۲ احتمال می‌دهد که شاید دکتر فاطمی در اصفهان با انگلیسیها روابطی داشته است. و سرانجام در سطرهای ۲۴-۲۵ تعریف‌های دکتر مصدق از فاطمی و سپس قتل فاطمی به دست انگلستان آورده می‌شود. در مصاحبه، قتل دکتر فاطمی را به انگلیسیها نسبت می‌دهد ولی در خاطرات سیاسی (ص ۴۱۹، س ۸-۱۰) قتل دکتر فاطمی را به دلیل فشار آمریکایی‌ها می‌داند. در مصاحبه (ص ۱۹۷، س ۲۵) جمله «قلم فاطمی به اندازه چند سپاه به ما کمک کرده» از آن مصدق است ولی در خاطرات سیاسی (ص ۴۱۲، از آن مکی آمده است.

در خاطرات سیاسی ص ۴۱۹ س ۱۴: پس از دستگیری دکتر فاطمی، مکی به سراغ شاه رفته و با مصلحت‌اندیشی و ذکر این نکته که از پیکره فاطمی نباید شهید ساخت، تقاضای تخفیف اعدام را می‌خواهد.

۶. دکتر محمد مصدق: آقای مکی راجع به دکتر مصدق برداشت‌های شخصی صریح و فارغ از پرده‌پوشی دارد. ایشان این استنتاج‌ها را در خلال مبارزات سیاسی دهه

جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آراء تصویب کردند، رحمة... علیه در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.» به نقل از امیر علایی، پیشین، ص ۴۲۶.  
۳۳. فاطمی، حسین، سرمقاله روزنامه باختر امروز، شماره ۷۸۷، ۱۳۳۱/۱/۲۳. همچنین، مکی، خاطرات سیاسی، ص ۵۱۰.

۱۳۲۰ به دست آورده است و باید اذعان داشت تجربیات ایشان کم بها نیست. با این حال موضع صریح یاران و هم‌پیمانان مکی دربارهٔ دکتر مصدق حاکی از آن است که آنان مصدق را نه به دلیل اولویتها بلکه به دلیل کمبود نیروی انسانی لایق و کارآمد که توانایی رهبری جنبش را داشته باشد برگزیده بودند.<sup>۳۴</sup> اختلافهای مصدق با مثلث بقایی - مکی - حایری‌زاده را نمی‌توان به یک علت محدود کرد. اختلاف بر سر تغییر نظام سلطنتی (ص ۱۹۱)، ذکر تناقض‌آمیز شاه دوستی مصدق (ص ۱۹۵)، لایحه اختیارات نخست وزیر، اعتراض به انتصاب قاتلان مردم در سی تیر به پست‌های حساس و چند مورد دیگر بوده که در خاطرات سیاسی آقای مکی آمده است.<sup>۳۵</sup> در مصاحبه، دکتر مصدق مخالف ملی شدن نفت معرفی شده است. وی طرفدار دنبال کردن قرارداد داریسی است ولی آقای مکی خود را اولین کسی معرفی می‌کند که طرح ملی شدن نفت را تهیه کرده است (ص ۱۹۴). آقای مکی شرح می‌دهد که با اعزام تمام افراد هیئت مختلط به آمریکا مخالف بوده است (ص ۲۱۳، س ۱۶-۲۱) امیر علایی نقش مکی را در هیئت مختلط این طور شرح می‌دهد: حضور مکی در هیئت مختلط برای اعزام به آمریکا اول مطرح نبود، آقای دکتر معظمی، با اشارهٔ آقای مکی، ایشان را برای اعزام پیشنهاد نمود. مشارالیه پس از اطلاع از مخالفت دکتر مصدق با اعزام کل هیئت مخالفت نمود. لکن پس از مذاکره با بانک جهانی، به دعوت این بانک به آمریکا سفر کرد.<sup>۳۶</sup>

۷. مشایخی: در مصاحبه (ص ۲۰۱، س ۹) علت عدم همکاری قوام و مکی، مخالفت قوام با اعتبار نامهٔ مشایخی و چند تن دیگر ذکر شده است. اما آقای مشایخی در دفاعیاتش در مجلس (به نقل از روزنامه رسمی کشور سال ۳، شماره ۷۳۱، ص ۱۱۶-۱۱۷) مکی را علت این مخالفت می‌داند و دلایل مخالفت را چنین ذکر می‌کند:

۱. اختلاف شخصی از گذشته؛ (۲) تحریک روزنامه‌های دست چپی علیه او؛ (۳) و اینکه او (مشایخی) به توصیهٔ قوام به ریاست شهرداری تهران و مکی نیز با تشویق مظفر فیروز به معاونت شهرداری تهران رسید. اما پس از پدید آمدن اختلاف، قوام دستور

۳۴. بقایی، «چه کسی منحرف شد؟»، تهران، چاپ اول ۱۳۴۰، صص ۱۳۶-۱۴۰.

۳۵. با این حال آقای مکی یک علت مهم ناکامیهای پس از ۳۰ تیر را چرخش مصدق از راست (مکی، بقایی، حائری‌زاده) به چپ (شایگان، سنجابی، حسینی، فاطمی) می‌داند. نک: مکی، کتاب سیاه، جلد ۶، صص ۲۰۰-۲۵۰.

۳۶. امیر علایی حتی ادعا می‌کند که مکی در جلسات هیئت مختلط خلع بد زیاد شرکت نمی‌کرد. نک: امیر علایی، پیشین، ص ۳۹۹.

خروج آقای مکی از تشکیلات شهرداری را صادر کرد. در صورت جلسه مذاکرات مجلس (روزنامه رسمی کشور، سال ۳، شماره ۷۳۰، ص ۱۹۷) آقای مشایخی علت عدم تداوم همکاری آقای مکی و شهرداری تهران را آشنایی ناکافی ایشان با انشاء اداری و نگارش فارسی و ایجاد فضای انتقاد علیه خود ذکر می‌کند. در همان منبع، آقای مشایخی به قراری که بین خود و آقای مکی داشته اشاره می‌کند که طبق آن قرار هیچ یک با اعتبارنامه دیگری مخالفت نکند ولی آقای مکی از تعهد خود سرپیچی کرد.

غیر از آنچه که به اشاره در مقاله حاضر آمده است، نکات بسیاری در باره تاریخ وقایع مشروطه و پس از مشروطه وجود دارد که باید روشن شود: اختلاف مراجع تقلید (بهبهانی و طباطبایی) با مرحوم شیخ فضل‌الله نوری، اختلاف نظر حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، شیخ ابراهیم زنجانی، و شیخ حسین یزدی با مرحوم مدرس، قرارداد ۱۹۱۹ و نقش وثوق‌الدوله، ریشه‌یابی اختلاف نظر دکتر مصدق و مرحوم کاشانی؛ نقش مرحوم کاشانی در ادامه نهضت پس از کودتای ۲۸ مرداد و ادامه کار جبهه ملی پس از کودتا، از دقایقی هستند که نیاز به امعان نظر محققان و پژوهشگران دارد.

دکتر آرتین نودری

## آیا سفرنامه مارکوپولو واقعاً جعلی است؟

یکی از خوانندگان درباره خبری که در شماره اول فصلنامه زیر عنوان «سفرنامه مارکوپولو جعلی است!» توضیحی فرستاده است که ضمن تشکر از توجه این خواننده محترم این توضیح را برای آگاهی بیشتر عیناً درج می‌کنیم.

شرح سفرهای مارکوپولوی ونیزی در شرق، همیشه مورد شک و تردید بوده است و حتی از زمان اشتهاار سفرنامه در اروپای قرون وسطی، کتاب به ایل میلیون Il Milione شهرت داشته زیرا در آن ارقامی میلیونی ذکر شده بود و هم‌عصران مارکوپولو، کتاب خاطرات او را به استهزا، ایل میلیون لقب داده بودند.<sup>۳۷</sup> بعضی گمان دارند که او هرگز

۳۷. «او را علناً مسخره می‌کردند و از راه استهزا او را به مارکو میلیونی ملقب کردند» عباس اقبال. تاریخ

پای خود را به شرق نگذاشت.<sup>۳۸</sup> با گسترش مطالعات درباره مارکوپولو در اروپای سده نوزدهم، طرفداران وی نشانه‌هایی از حضور او در امپراتوری بزرگ مغولان یافتند.<sup>۳۹</sup> عده‌ای از دانشمندان سعی کردند که در متون چینی بدنبال او بگردند و سرانجام در متون چینی اشاره‌ای یافتند درباره یکی از خدمتگزاران قویلای خان که تلفظ چینی آن «پو-لو» بود. در نخستین دهه‌های سده بیستم میلادی، پل پلیو چین‌شناس برجسته فرانسوی، به راحتی این استدلال را زیر سؤال برد و نشان داد که «پو-لو» اشاره شده در متون چینی، مارکوپولو نیست بلکه اشاره به کارگزاری مغولی به نام «پولاد چینگ سانگ» است.<sup>۴۰</sup> این مسئله نشان داد که در منابع آسیایی، هیچ اشاره مستقیمی به وجود مارکوپولو یافته نشده است.

از سوی دیگر، دانشمند برجسته‌ای چون سر هنری یول در کتاب دو جلدی خود درباره سفرنامه مارکوپولو،<sup>۴۱</sup> سعی کرد تا هر کدام از اشارات مارکوپولو را با توجه به منابع

اکتشافات جغرافیایی. تهران، ۱۳۱۴، ص ۵۹ و ۶۰.

38. Haeger, J. W. "Marco Polo in China? Problems with Internal Evidence", *The Bulletin of Sung and Yuan studies*, 14 (1978), pp. 22-30.

۳۹. بهترین پژوهش درباره مطالعات مارکوپولو، تحقیق زیر است:

Olschki, L., *Marco Polo's Asia: An Introduction to his, Description of the World' called "Il Milione"* Tr. J. A. Scott, Berkeley & Los Angeles, 1960.

درباره ترجمه‌های فارسی سفرنامه، بنگرید به:

- ماجراهای مارکوپولو، تألیف ریچارد والش، ترجمه احسان شهبازی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۹.

- سفرنامه مارکوپولو، ترجمه حبیب‌الله صمیمی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.

- سفرنامه مارکوپولو معروف به ایل میلیون، برگردان منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو، تهران، گویش، ۱۳۶۳.

تهران، بوعلی، ۱۳۷۱.

- سفرهای مارکوپولو، جان پائولو چزرانی، برگردان محمدعلی اجلالی، تهران، کتاب سحاب، ۱۳۶۸.

- سفرها و ماجراهای مارکوپولو، اثر پیسیان روستی سین اصحیح: روستی چلوی پیزیایی، ترجمه و تلخیص علیرضا نعمتی، تهران، افشار، ۱۳۶۸.

- سفرهای مارکوپولو، مترجم رامین گلبنانگ، تهران، پیمان، ۱۳۷۱.

40. Pelliot, P. "Review of A. J. H. Charignon *Le Livre de Marco Polo*", *Toung-pao*, 25 (1928) pp. 156-68.

و نیز بنگرید به:

Allsen, Thomas T., "Biography of a Cultural Broker: Bolad Ch'eng-Hsiang in China and Iran" in *The court of Il-Khans, 1290-1340*. Oxford, 1996, pp. 7-22.

41. *The Book of Ser Marco Polo*, London, 1921, 2 vols.

در سال ۱۹۵۶ و به مناسبت هفتادمین سال تولد مارکوپولو، کنفرانسی در رم برپا شد و مجموعه‌ای از سخنرانیهای آن با عنوان زیر منتشر شد:

شرقی هم‌عصر او از سوی دیگر بررسی و مستند سازد. به گمان این نگارنده، مراجعه به کتاب سر هنری یول، نشان از عمق و دقت بعضی از اطلاعات سفرنامه دارد.

سؤال: آیا سفرنامه مارکوپولو نوشته خود اوست؟

هیچ کس شک ندارد که نه. مارکوپولو هنگامی که در زندان جنوایی‌ها بود خاطرات سفر خود به شرق را برای روستیچلو تعریف کرد و سفرنامه موجود، تقریرات روستیچلو از مارکوپولو است و نمی‌دانیم آیا روستیچلو چیزی از خود به خاطرات مارکوپولو افزوده یا از آن کاسته است. شبیه این ایرادات را بر سفرنامه نویسنده معروف مسلمان یعنی ابن بطوطه نیز گرفته‌اند و مثلاً عده‌ای از محققان سفر او به خراسان را انکار می‌کنند.<sup>۴۲</sup> سفرنامه نیکولو دو کونتی نیز به نقل از براجیولینی به دست ما رسیده است.

پذیرفتن این امر که سفرنامه مارکوپولو نوشته خود او نیست ما را ملزم می‌گرداند که در سؤالهای خود از آن سفرنامه، کمی وسواس، و برعکس شاید تسامح نشان دهیم. از کجا می‌دانیم که روستیچلو مواردی را که به ذهن خود او غیرقابل قبول می‌نموده حذف یا اصلاح نکرده باشد؟ از کجا می‌دانیم که برای خوش‌آمد سران کلیسای جنوا، بعضی مطالب را بدان نیفزوده باشد؟ از کجا می‌دانیم که ...

هر سفرنامه را از چند جهت می‌توان مورد نقد و بررسی قرار داد:

۱. ناشناس بودن مؤلف یا خاطره‌گو.
۲. ناشناس بودن نسخه‌های خطی.
۳. وجود موارد غیرممکن که نویسنده ادعای دیدن آنها را دارد.
۴. فقدان وجود موارد مشهور که غیرممکن بوده نویسنده آنها را ندیده باشد.
۵. متناقض بودن اطلاعات موجود در سفرنامه یا موارد مشابه در منابع هم‌عصر مؤلف.
۶. حضور مؤلف در جایها و واقعه‌هایی که هنوز وجود نداشته‌اند یا در آن زمان از بین رفته بودند.

حال باتوجه به اینکه سفرنامه مارکوپولو، تحریر روستیچلو از خاطرات مارکوپولو است، بسیاری از ایرادهایی که به سفرنامه و مارکوپولو گرفته می‌شود قابل توجیه عقلانی است و انبوه اطلاعات واقعی موجود در سفرنامه، ایرادهای گرفته شده را سست‌تر می‌نماید.

با این حال، و باتوجه به اینکه هنوز کتاب خانم وود به دست ما نرسیده است و امید

*Oriente Poliano*, Rome, [1957] MCMLVII.

42. Gibb, H. A. R. *Ibn Battuta: Travels in Asia and Africa*. London, 1929, v. 2, p. 253; Dun, Ross E. *The Adventures of Ibn Battuta*. Kent, 1986, p. 180.

است روزی به زبان فارسی برگردانده شود، باید همه این پرسشها و پاسخها را به آن زمان موکول کرد.

چند سال پیش، دوست گرامی جناب فیروز منصوری در کتاب نگاهی نو به سفرنامه ناصر خسرو، اصالت آن کتاب را مورد تردید قرار داد. عجلتاً متعرض پاسخهای او نمی‌شویم اما سؤالهای ایشان را واقعاً قابل توجه و تأمل می‌دانیم. و عجیب است که پاسخ مستدلی به سؤالهای ایشان داده نشد.

محسن جعفری مذهب



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی